

## بازتاب و مقایسهٔ وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در متون راحة الصدور، چهارمقاله و فارسنامه

جهانبخش ثواقب\*

فرهاد پروانه\*\*، رسول رستمی\*\*\*

### چکیده

زندگی اجتماعی ایرانیان در چهار مقولهٔ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی قابل بررسی و تعمق است. در بسیاری از متون نظم و نثر کهن، ابواب مختلف زندگی ایرانیان بازتاب داده شده که با بررسی آنها می توان تطورات تاریخی زندگی اجتماعی مردم این سرزمین را ترسیم کرد. این جستار به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مقایسه ای وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در سه متن مهم عصر سلجوقی، یعنی *راحة الصدور* و *آیة الصدور* راوندی، *چهارمقاله* نظامی عروضی، و *فارسنامه* ابن بلخی، پرداخته و درصدد پاسخ به این پرسش است که متون مزبور چه گستره ای از مقولات مرتبط به وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان را دربر می گیرند. نتیجه حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که در هر سه اثر به مقولات فرهنگی پرداخته شده است. اما در مقایسه، متن کتاب *راحة الصدور* بیشترین وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان را به تصویر کشیده است.

**کلیدواژه ها:** ایرانیان، زندگی اجتماعی، وجوه فرهنگی، *راحة الصدور*، *چهارمقاله*، *فارسنامه*.

\* استاد تاریخ دانشگاه لرستان (نویسندهٔ مسئول)، savagheb@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، Farhad.parvaneh@yahoo.com

\*\*\* کارشناس ارشد ایران شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، rostami.rasoul90@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۸

## ۱. مقدمه

انسان موجودی پرمزوراز و دارای اسراری بس نهفته و ناشناخته است که خود به تنهایی قادر به انجام اموری ساده چون زیستن و گذران زندگی در این دنیای سرشار از عجایب و غرایب نیست. پس نیازهای متقابل انسان‌ها در یک زیست جمعی با عنوان اجتماع برآورده می‌شود. چگونگی این زندگی اجتماعی آدمیان با تعمق و جست‌وجوگری در تاریخ به دست می‌آید، چراکه تاریخ بخش عظیمی از وجوه مختلف زندگی اجتماعی انسان‌ها را در دل خویش نهفته دارد. با رواج تاریخ‌نگاری و سنت نگارش و مکتوب‌سازی وقایع، مشاهدات، خاطرات، دیدگاه‌ها، و اندیشه‌ها در میان مردم سرزمین‌های مختلف بسیاری از وجوه حیات اجتماعی آنان در این نوشته‌ها بازتاب پیدا کرد و امروزه، برپایه این موارث مکتوب تمدنی، می‌توان سیر تاریخی زندگی اجتماعی مردمان را بازسازی و بازکاوی کرد. موارث مکتوب ایرانیان در حوزه تاریخ، جغرافیا، ادبیات، و دیگر زمینه‌ها نیز به‌زیبایی آگاهی‌های ارزشمندی درباره زندگی اجتماعی مردم ایران‌زمین به‌تصویر کشیده که با بررسی آن‌ها می‌توان وجوه گسترده‌ای از زمینه‌های مرتبط با تاریخ اجتماعی ایرانیان را به‌منزله پیشینه‌ای از حیات تمدنی شناخت و آن‌ها را موردبهره‌برداری قرار داد.

در این جستار، با هدف بررسی مقایسه‌ای وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در سه متن منتخب (راحت‌الصدور، چهارمقاله، و فارس‌نامه)، مربوط به قرن ۶ق/۱۳م و در عصر حاکمیت سلجوقیان، داده‌های این متون به‌صورتی منظم و مرتب در عرصه فرهنگی زندگی اجتماعی، استخراج، مقوله‌بندی، و سپس موردتحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند تا اطلاعات تاریخی مربوط به این وجه از زندگی اجتماعی ایرانیان به‌صورت نظام‌یافته شناسایی شوند. این نوع پژوهش‌ها در مقیاس وسیع و با بررسی متون مختلف می‌تواند جلوه‌های گوناگون زندگی ایرانیان را در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی و آشکار سازد و راه پژوهش مورخان و محققان حوزه علوم اجتماعی و فرهنگی ایرانیان را هموار سازد. انگیزه انتخاب این سه اثر از میان آثار مکتوب تاریخی متعدد این دوره به چند علت بوده است: ۱. انگیزه پژوهش در نمونه‌هایی از متون تاریخی برای ترسیم زندگی اجتماعی ایرانیان در یک دوره تاریخی معین؛ ۲. محدودکردن دامنه پژوهش از جنبه کمی متون انتخابی که در روش پژوهش بر تحدید حدود موضوع تأکید می‌شود؛ ۳. لحاظکردن تنوع اشکال تاریخ‌نگاری در انتخاب متون. سه متن انتخابی به سه حوزه از تاریخ‌نگاری تعلق دارند: راحت‌الصدور تاریخ سلسله‌ای؛ چهارمقاله از نوع دیوانی، و فارس‌نامه تاریخ محلی است.

اساس پژوهش حاضر بر طرح دو پرسش بنیادی است: ۱. متون منتخب چه گستره‌ای از مقولات مرتبط به وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان را بازتاب داده‌اند؟ ۲. چگونه می‌توان داده‌های شناسایی شده و جمع‌آوری شده را با تحلیل آماری به صورت معناداری ارائه کرد؟

## ۱.۱ روش پژوهش

این پژوهش از آن جهت که به بررسی موضوعی در گذشته می‌پردازد، از نوع پژوهش‌های تاریخی است و از آن جهت که به وجوهی از زندگی اجتماعی ایرانیان می‌پردازد، در حوزهٔ مردم‌نگاری و بررسی موردی (وجوه فرهنگی) قرار می‌گیرد. بررسی موردی یا مطالعهٔ موارد خاص (Case Study Method) بررسی عمیق و همه‌جانبه در مورد نمونهٔ واحدی از پدیدهٔ موردعلاقهٔ جامعه‌شناسان است. از طریق بررسی موردی می‌توان تعمیم‌های گسترده‌ای را دربارهٔ زندگی اجتماعی به دست آورد. در این بررسی، هر موضوع موردبررسی، چه یک فرد یا گروه اجتماعی باشد و چه یک روی داد یا نهاد، حتی در بعضی موارد مطالعهٔ فرهنگ جامعه اصولاً به منزلهٔ واحدی مستقل در نظر گرفته می‌شود و از همهٔ جهات بررسی می‌شود (مکنیل ۱۳۷۶: ۱۰۵؛ نبوی ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲). به یک معنا، هر بررسی مردم‌نگاری بررسی‌ای موردی به شمار می‌آید؛ چراکه همهٔ این نوع بررسی‌ها بر یک گروه به نسبت کوچک و یا یک نهاد واحد تأکید دارند (مکنیل ۱۳۷۶: ۱۰۶). هدف بررسی مردم‌نگاری توصیف شیوهٔ زندگی یک جامعه یا گروهی از مردم است. اگر گروه به نسبت کوچک باشد، مانند یک دارودستهٔ خیابانی، روش اصلی گردآوری داده‌ها مشاهدهٔ مشارکت‌آمیز هم‌راه با تعداد محدودی مصاحبه بدون ساختار خواهد بود، اما اگر گروه موردبررسی بزرگ‌تر باشد، با بررسی اجتماعات (Community Studies) که روش گسترده‌تری است سروکار خواهیم داشت (همان: ۱۰۷). روش‌شناسی مردم‌نگارانه امروزه بیش‌تر به منزلهٔ یکی از شیوه‌های خاص تحلیل چگونگی ادراک، ساخت، و تأیید جهان‌بینی و شیوهٔ زندگی مردم جای خود را در تحقیق جامعه‌شناسی پیدا کرده است.

غالباً محققان روش گردآوری اطلاعات در مطالعهٔ موارد خاص را روش پژوهش کیفی می‌دانند؛ زیرا در گذشته در این روش به روش‌های دقیق و علمی، از قبیل نمونه‌گیری و روش‌های آماری، توجه کافی نمی‌شد، اما امروزه روش‌های دقیق علمی و آماری نیز به آن افزوده شده و با به‌کاربردن روش‌های تحلیل کیفی و تبدیل اطلاعات

کیفی به کمی و نتیجه‌گیری دقیق از آن‌ها بار دیگر معمول و متداول شده است و مجموعه این تکنیک‌ها در بسیاری از موارد محقق را به کسب نتایج علمی و دقیق قادر می‌سازد. در این روش، باید در صورت امکان از روش‌های نمونه‌گیری و آماری استفاده شود و مطالب به‌دست‌آمده به روش‌های صحیح و علمی طبقه‌بندی شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این صورت می‌توان به صحت و علمی بودن نتایج به‌دست‌آمده اطمینان کافی داشت (نبوی ۱۳۸۲: ۱۷۱-۱۷۲).

از سویی، هر پژوهشی دارای واحد مطالعه و سطح مطالعه است. سطح مطالعه سطح واقعیت اجتماعی است که چهارچوب نظری پژوهش به آن می‌پردازد. سطح اجتماعی بر زنجیره‌ای از سطح خرد (برای مثال، گروه‌های کوچک، فرایندهای فردی) تا سطح کلان (مانند تمدن‌ها یا جنبه‌های ساختی جامعه) متغیر است (منصوریان ۱۳۸۱: ۴۲). واحد مطالعه به نوع واحد مورد استفاده پژوهش‌گر هنگام سنجش متغیرها برمی‌گردد. واحدهای معمول در جامعه‌شناسی عبارت است از افراد، گروه‌های اجتماعی (مانند خانواده و گروه‌های دوستی)، سازمان‌ها (مانند شرکت‌ها، دانشگاه)، دسته‌های اجتماعی، طبقه اجتماعی، جنسیت، نژاد، جامعه (مانند یک کشور، یک قبیله)، نهادهای اجتماعی (خانواده، مذهب، آموزش) است (همان: ۴۳). در این پژوهش، سطح مطالعه وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان است و واحدهای مطالعه مقوله‌هایی است که در هر یک از متون مورد بررسی قرار گرفته است.

در مرحله بررسی و تحلیل داده‌ها، به دو روش تحلیل کیفی و تحلیل کمی می‌توان عمل کرد. شیوه تجزیه و تحلیل کیفی عقل، منطق، تفکر، و استدلال است؛ یعنی محقق با استفاده از عقل و منطق و غور و اندیشه باید اسناد و مدارک را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد، حقیقت را کشف و درباره فرضیه‌ها اظهار نظر کند (حافظ‌نیا ۱۳۷۷: ۱۹۹). تحقیقات کیفی بیش‌تر در تحقیقات تاریخی، توصیفی - موردی، تحلیل محتوا، علی و نظری وجود دارد؛ تحقیقاتی که از نوع کتاب‌خانه‌ای و نظری‌اند. در این نوع تحقیقات اسناد، مدارک، نوشته‌ها، و آثار حکم داده‌ها را دارند که از جمع‌آوری، طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه، و تحلیل آن‌ها محقق می‌تواند مجهول را کشف و فرضیه ارائه‌شده را ارزیابی کند. بنابراین در تحقیقات کیفی محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و غیره - که جملگی به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرد - داده‌های گردآوری‌شده را ارزیابی و تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری کند (همان: ۲۰۰). مطالعات مردم‌شناسی، آداب و رسوم، روابط اجتماعی، و مطالعات مربوطه

تحلیل محتوا همه در حوزهٔ تحقیقات کیفی قرار می‌گیرند، هرچند ممکن است از روش‌های کمی نیز بهره ببرند (همان: ۲۰۲).

شیوهٔ تجزیه و تحلیل کمی، که به روش تجزیه و تحلیل آماری نیز شهرت دارد، در مورد تحقیقات و داده‌های کمی به کار می‌رود. در تحقیقات علوم انسانی نیز روش‌های کمی توسعه یافته است و محققان سعی می‌کنند تا پدیده‌ها، متغیرها، ویژگی‌ها، ارزش‌ها، و باورها را اندازه‌گیری و کمی سازند. استفاده از روش‌های آماری با توجه به نوع و روش تحقیق و هدف محقق تفاوت می‌کند و از روش‌های ساده و اولیهٔ آماری تا روش‌های پیچیده را شامل می‌شود. استفاده از روش‌های آماری به دو شکل توصیفی و استنباطی انجام می‌گیرد. آمار توصیفی را عمدتاً مفاهیمی از قبیل جدول توزیع فراوانی و نسبت‌های توزیع، نمایش هندسی و تصویری توزیع، اندازه‌های گرایش به مرکز، اندازه‌های پراکندگی، و نظایر آن تشکیل می‌دهد. آمار توصیفی برای تبیین وضعیت پدیده یا مسئله یا موضوع مورد مطالعه استفاده می‌شود. در این جا محقق، پس از استخراج اطلاعات، به خلاصه کردن و طبقه‌بندی داده‌های آماری می‌پردازد و این کار را با تشکیل جدول‌های توزیع فراوانی انجام می‌دهد، سپس درصد‌های توزیع، فراوانی، و درصد‌های تراکمی را محاسبه می‌کند (همان: ۲۰۳).

پژوهش پیش‌رو در مرحلهٔ گردآوری داده‌ها با رویکرد مقایسه‌ای انجام شده و در آن، متون منتخب با دقت تمام مورد مطالعه قرار گرفته و از داده‌های آن‌ها در مقولهٔ وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان داده‌نگاری صورت گرفته است. پس از تشخیص دادهٔ مورد نظر، به مفهوم‌پردازی و یافتن واژگان مناسب پرداخته شده، سپس اشارهٔ مربوط به دادهٔ مورد نظر در قالب موضوعی موجز تدوین شده که همان مرحلهٔ طبقه‌بندی داده‌های آماری از متون مورد پژوهش است. آن‌گاه آن دسته از داده‌های مستخرج که بازتابی از وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان بوده‌اند، برای مقوله‌بندی شناسایی شده‌اند. در مرحلهٔ بررسی داده‌ها، به روش ترکیبی تحلیل کیفی و کمی (آماري)، هر کدام از مقولات وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان تحلیل، مقایسه، و ارزیابی شده تا نتیجهٔ لازم از پژوهش به دست آید و فراوانی‌های واحدهای مورد بررسی در هر اثر تعیین شود.

در پیشینهٔ پژوهش با این که مقالاتی دربارهٔ بازتاب برخی از وجوه زندگی ایرانیان در دوره‌های بعد از مغول تا قاجار بر اساس سفرنامه‌های اروپاییان و به شیوه‌ای توصیفی نگارش یافته، دربارهٔ عصر مورد نظر بر پایهٔ متون تاریخی و با رویکرد تحلیلی پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است. تنها می‌توان به پایان‌نامهٔ حسین افتخاری (۱۳۸۷) با عنوان بررسی

جلوه‌های زندگی ایرانیان در سه اثر برجسته سده پنجم هجری (قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت) اشاره کرد که به لحاظ موضوعی و روش انجام پژوهش متفاوت با پژوهش حاضر است.

## ۲. تعریف مفهومی فرهنگ

مفهوم‌سازی فرایند گزینش هر مفهوم یا سازه و تعریف آن به صورت مفهومی یا نظری است. هر سازه می‌تواند معانی گوناگونی داشته باشد که افراد ممکن است بر این معانی اختلاف نظر داشته باشند (منصوریان ۱۳۸۱: ۷۳). فرهنگ از این نوع مفاهیم است. فرهنگ، در عربی «الثقافة» و در انگلیسی «کالچر» (Culture)، در لغت به معنای دانش، حرفه، علم، فنون، هنر، آموختن، به کار بستن ادب، بزرگی، سنجیدگی، کتاب لغت، آموزش و پرورش، تربیت، آیین و رسوم، و عقل به کار رفته است (بنگرید به دهخدا ۱۳۳۴: ج ۳۹، ۲۲۷؛ نیسی ۱۳۵۵: ج ۴، ۲۵۵۷؛ معین ۱۳۷۱: ج ۲، ۲۵۳۸؛ پهلوان ۱۳۷۸: ۱۲-۱۵).

از نظر اصطلاحی و به لحاظ اهمیت فرهنگ، که یکی از مبانی اصلی زندگی انسان است، تعریف و تعبیر گوناگونی برای آن ابداع و پیش نهاد شده و در دایرةالمعارف‌های ملیت‌های مختلف تعاریف متعددی از فرهنگ ارائه شده است (برای مجموعه‌ای از این تعاریف، بنگرید به جعفری ۱۳۷۳: ۱۱-۷۳). ولی مطلبی که به تلویح در تمام تعاریف و تفاسیر مربوط به فرهنگ بشری دیده می‌شود، این است که بشر توانایی شگرفی برای یادگیری دارد و دانشمندان در مباحث جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی از فرهنگ به منزله نوعی میراث اکتسابی یاد می‌کنند که در هر جامعه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و این میراث فرهنگی برای بقای آن جامعه ضرورت دارد. از این رو، می‌توان گفت که فرهنگ مجموع نظام‌های نمادین جامعه و اطلاعات و پیام‌های مستتر در آن‌هاست (لنسکی ۱۳۶۹: ۲۳-۲۴). فرهنگ را می‌توان سطحی از زندگی دانست که در آن انسان‌ها به کمک راه‌ورسم‌های نمادین به ساختن معنی می‌پردازند. به عبارتی، وقتی از فرهنگ سخن گفته می‌شود، منظور راه‌هایی است که در آن‌ها مردم، به طور فردی و جمعی، از طریق ارتباط با یک‌دیگر به زندگی خود معنا می‌بخشند (تاملینسون ۱۳۸۱: ۳۵). فرهنگ، راه‌ورسم زندگی‌یابی و کسب تجربه‌های اجتماعی است. فرهنگ شامل این موارد است: ۱. نظام‌های معینی است که مورد قبول اجتماع و برای جامعه قابل لمس باشد؛ شامل ساختمان و سازمان‌های اجتماع، انواع رفتار، دانش، ایمان؛ ۲. فعالیت‌هایی است که در مجامع انسانی

یافت می‌شود؛ شامل زیبایی‌های زندگی و بخشی از زندگی انسانی که ساخته‌وپرداختهٔ اوست (ودیدی ۱۳۵۷: ۱۰۹).

براساس تعریف *دایرةالمعارف ورلدبوک* (World Book Encyclopedia)، فرهنگ به‌نظر دانشمندان علوم اجتماعی دربرگیرندهٔ همهٔ اندیشه‌ها، تمام تصورات ذهنی، و کل روش‌های انجام‌گرفتن کارهایی است که گروهی آن را ایجاد کرده باشند. بنابراین، هنرها، باورها، عقاید، عادات، ابتکارات، اختراعات، زبان، تکنولوژی، و رسوم فرهنگ است. فرهنگ راه زندگانی است؛ چه ساده و چه مجموعه‌ای از افکار و عقاید. فرهنگ عبارت است از راه‌هایی که انسان در رفتار، احساس، و اندیشهٔ خود آموخته باشد (به‌نقل از جعفری ۱۳۷۳: ۳۰). از دیدگاه *دایرةالمعارف بریتانیکا* فرهنگ چنین تعریف می‌شود:

فرهنگ را می‌توان در قالب ویژگی‌های رفتاری نوع‌بشر، همراه با دیدگاه‌های عینی و مادی مؤثر در شکل‌گیری مجموعهٔ رفتاری او، به‌ویژه عوامل خاصی هم‌چون فرهنگ، زبان، عقاید، عادات، رسوم، مجموعه قوانین، نهادهای اجتماعی، ابزار، فنون، آثار هنری، آیین‌های مذهبی، مراسم، و نظایر آن‌ها تعریف کرد (همان: ۳۶).

تایلور، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ را در معنی دانش، عقاید، هنرها، اخلاق، رسوم، و سایر یافته‌های اجتماعی انسان به‌کار برده است (Tylor 1924: 1).

امروزه فرهنگ بر ابزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها، و سازمان‌های اجتماعی دلالت می‌کند. انسان به‌وسیلهٔ فرهنگ جامعهٔ خود اجتماعی می‌شود؛ با مردم اطراف خود از جهات متعدد هماهنگی می‌یابد و با مردم جامعه‌های دیگر از جهاتی گوناگون متفاوت می‌شود (آگ‌برن و نیم‌کوف ۱۳۸۰: ۱۳۸). فرهنگ مبین رفتار انسانی و فرازونشیب‌های زندگی اجتماعی است و انسان به‌واسطهٔ فرهنگ میراث اجتماعی نسل‌های پیشین خود را به‌ارث می‌برد (همان). فرهنگ عصارهٔ زندگی اجتماعی است و در تمام افکار و امیال و الفاظ و فعالیت‌های انسان منعکس می‌شود (همان: ۱۴۰). فرهنگ درکنار جمعیت، فراورده‌های مادی، ساختار اجتماعی، و نهادهای اجتماعی اساسی‌ترین عناصر سازندهٔ هر جامعهٔ انسانی است (لنسکی ۱۳۶۹: ۵۰).

از لحاظ فرهنگ‌شناسی (Culturology)، فرهنگ هر جامعه دو جنبهٔ متمایز دارد: ۱. فرهنگ مادی (Material Culture) شامل وسایلی است که به‌دست اعضای پیشین جامعه ساخته شده و برای اعضای حاضر به‌ارث مانده‌اند؛ ۲. فرهنگ غیرمادی (Nonmaterial Culture) یا فرهنگ مجرد (Immaterial Culture) یا فرهنگ معنوی (Spiritual Culture)

شامل رسوم، معتقدات، علوم، و هنرهایی است که عمداً به وسیله زبان و خط فراگرفته می‌شوند (آگ‌برن و نیم‌کوف ۱۳۸۰: ۱۴۲؛ ودیعی ۱۳۵۷: ۱۰۹). براساس تعریف *دایرةالمعارف روسی* از فرهنگ (بنگرید به جعفری ۱۳۷۳: ۴۴)، مفهوم مادی فرهنگ بیان سطح توانایی بشر در رابطه با نیروهای طبیعت است و بیانگر اعماق درک طبیعت و جامعه، وسعت نگرش، اندیشه ترقی‌خواهانه، و دانش آدمی است. فرهنگ معنوی شامل دستاوردهای جامعه در زمینه اخلاق، هنر، دانش، فلسفه و بیانگر اندیشه‌های سیاسی و روابط حقوقی میان آدمیان است (همان: ۴۵).

هم فرهنگ مادی و هم فرهنگ غیرمادی بر اجزای بی‌شماری مشتمل‌اند که هر یک مستقلاً کارکرد (Function) معینی صورت می‌دهند. همه نیازهای جامعه به وسیله کارکردهای عناصر فرهنگی برآورده می‌شوند. چون هر یک از اجزای فرهنگ به منزله جوه یا عناصر اختصاصی فرهنگ‌اند و می‌توان آن‌ها را ویژگی‌های فرهنگی (Culture Traits) خواند که تعدادی از این ویژگی‌ها یک واحد پیچیده‌تر به نام مجموعه فرهنگی (Culture Complex) به وجود می‌آورند (آگ‌برن و نیم‌کوف ۱۳۸۰: ۱۴۴، ۱۴۲). به عبارتی، مجموعه عواملی که یک اجتماع را می‌سازند از قبیل عوامل جغرافیایی، جمعیتی، فنی، نهادها، صور ذهنی دسته‌جمعی در عالم واقع براساس ترکیبات معینی درهم می‌آمیزند و «مجموعه‌های فرهنگی» را به وجود می‌آورند. مجموعه‌های فرهنگی را اساساً تاریخ می‌سازد و سپس به مدد تربیت به معنای وسیع کلمه تقویت می‌شود و با شیوه‌های تربیتی و تعلیم و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (دوورژه ۱۳۷۶: ۱۷۳، ۱۷۴).

اجزای هر فرهنگ موافق ترتیب یا هیئت یا پیکربندی معین به یک‌دیگر پیوسته‌اند و انتظامی میان آن‌ها برقرار است. این انتظام که در همه مجموعه‌های مختلف فرهنگ بازتاب می‌یابد، مدل فرهنگی (Culture Model) یا انگاره فرهنگی (Culture Pattern) نام گرفته است (آگ‌برن و نیم‌کوف ۱۳۸۰: ۱۴۴).

در این پژوهش، فرهنگ هم از دیدگاه علوم اجتماعی و هم از دیدگاه مردم‌شناسی موردنظر بوده و وجوه فرهنگی شامل همه عناصری (مادی و معنوی) در نظر گرفته شده است که محصول تلاش فکری و جمعی بشر بوده و در طول تاریخ حاصل شده و راه‌ورسم زندگی هر جامعه به شمار می‌آمده و حیات زیستی آنان را از تولد تا مرگ تشکیل می‌داده است؛ چراکه به تعبیر برخی از محققان «هرآن‌چه انسان می‌کند و هرآن‌چه عمل او به‌بار می‌آورد، در حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد» (بهنام و جهاننگلو ۱۳۸۲: ۴۰).



### ۳. معرفی متون منتخب

کتاب *راحة الصدور و آية السرور* از کتب مهم اواخر قرن ششم هجری است. مؤلف آن نجم‌الدین بی‌بکر محمدبن علی بن سلیمان راوندی از دانشمندان و خطاطان روزگار خویش بوده است. این اثر هم از نظر ادبی و هم از نظر اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی جزو معتبرترین و سودمندترین کتب فارسی پیش از حملهٔ مغول است (صفا ۲۵۳۶: ۱۰۰۸). این کتاب در سال ۵۹۹ق تألیف شده و از بهترین کتب نثر فارسی و در نهایت فصاحت و روانی نوشته شده است و در ضمن اشعاری به فارسی از مؤلف و نیز بزرگان ادب فارسی در آن ثبت شده است (نفیسی ۱۳۴۴: ج ۱، ۱۴۵). دیباچهٔ کتاب مشتمل بر حمد و نعت خدا و رسول، ستایش خلفای چهارگانه و اصحاب، منقبت ابوحنیفه نعمان بن ثابت و محمدبن ادریس شافعی، مدح غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان، و توصیف سرزمین عراق پس از انقضای سلطنت طغرل سوم است (راوندی ۱۳۶۴: ۱-۳۸) و پس از آن وارد مقدمه‌ای می‌شود که به آغاز کار سلجوقیان و ارتباط آنان با سلطان محمود غزنوی و علل درگیری‌شان با امیرمسعود غزنوی پرداخته است. پس از مقدمه، به ذکر وقایع تاریخ سلطنت خاندان سلجوقی از آغاز تا حکومت‌داری رکن‌الدین ابوطالب طغرل‌بک محمدبن میکائیل‌بن سلجوق (۴۳۹-۴۵۵ق) و انقراض آن سلسله در عراق به دست خوارزمشاه تکش‌بن ایل ارسلان پرداخته و در پایان آن، فصلی بسیار سودمند در چگونگی احوال سرزمین‌های عراق و غلبهٔ خوارزمیان آمده است (بنگرید به همان: ۸۶-۴۰۵).

روش مؤلف در تقریر تاریخ چنان است که پس از ذکر القاب و عناوین هر پادشاهی، به ذکر وزرا و حاجبان وی می‌پردازد و وصفی از اخلاق و رفتار او می‌کند، سپس به ذکر اتفاقات سلطنت وی می‌پردازد و بیش‌تر از آیات، احادیث، امثال، اشعار فارسی و عربی استفاده می‌کند، به‌طوری‌که گاهی از روش تاریخ فاصله می‌گیرد و در پایان هر قسمت قصیده‌ای در مدح سلطان موردبحث می‌آورد. در پایان کتاب، راوندی فصولی در ذکر آداب ندیمی و شطرنج، مسابقت و تیرانداختن، شکارکردن، فی معرفة اصول الخط من الدایرة و النقط فی الغالب و المغلوب (همان: ۴۰۵-۴۵۷) و فصلی در خاتمت کتاب آورده و کتاب را با نام و مدح غیاث‌الدین کیخسرو خاتمه داده است (همان: ۴۵۷-۴۶۷). راوندی این کتاب را به دلیل احساس دین به سلاطین سلجوقی و در قدردانی از تأسیس مدارس عراق که وی در آن‌ها تحصیل کرده بود و برای به‌یادگار گذاشتن اثر جاودانی از خود و هم‌چنین برای تجلیل از فتح عظیم انطالیه توسط کیخسرو بن قلج ارسلان در سال ۵۹۹ق به وی تقدیم می‌کند

(بنگرید به همان: ۵۷-۶۳؛ صفا ۲۵۳۶: ج ۲، ۱۰۰۹). کتاب *راحة الصدور* فواید زیادی دارد؛ یکی آن که چون مؤلف خود شاهد و ناظر بعضی از حوادث بوده، اهمیت و ارزش بسیاری به کتاب بخشیده است. دیگر آن که کتاب مبین مطالبی است که به مناسبت از رجال و شعرای مشهور آن زمان مانند علاءالدوله عربشاه و فرزندان وی، عبادی، انوری، سیداشرف‌الدین حسن غزنوی، اثیر اخسیکتی، و مجیر بیلقانی در خلال وقایع و حوادث تاریخی نقل شده و از قدیم‌ترین منابع شرح حال آنان به‌شمار می‌رود. از فواید دیگر کتاب حکایات، امثال، و اشعار برگزیده عربی و فارسی است که در آن آمده است (بنگرید به متن کتاب).

راوندی، مؤلف کتاب، فردی آشنا به علوم و هنر بوده، زیرا وی افزون بر فنون ادب، هنر خط، تذهیب و جلدسازی، در تفسیر، فقه، علوم مذهب و روایت نیز مهارت داشته و پس از انقراض حکومت سلجوقیان به گوشه‌نشینی پرداخته و تحصیل و تکمیل علوم شرعی را برتر از همه چیز دانسته است (صفا ۲۵۳۶: ج ۲، ۱۰۰۹). راوندی شرح حال خود را در کتابش بیان کرده که خلاصه آن چنین است که در کودکی پدرش را از دست داده و خاندان او به سبب قحطی اصفهان در سال ۵۷۰ ق تهی دست می‌شوند، به طوری که محمد در کنف خال خود تاج‌الدین احمد بن محمد بن علی راوندی از فاضلان بزرگ روزگار، که در انواع علوم شرعی و ادبی سرآمد بود، به مدت ده سال به‌سر می‌برد و راوندی در این مدت در خدمت خال خود به کسب علوم شرعی و ادبی و آموزش خط می‌پردازد، چنان‌که هفتاد نوع خط را یاد می‌گیرد (راوندی ۱۳۶۴: ۳۹-۴۱).

مؤلف کتاب *چهارمقاله*، ابوالحسن نظام‌الدین (نجم‌الدین) احمد بن عمر بن علی سمرقندی، معروف به نظامی عروضی، از شاعران و نویسندگان قرن ششم هجری است (صفا ۲۵۳۶: ج ۲، ۹۶۱). وی در خدمت ملوک غوری آل شنسب به‌سر می‌برد و چنان‌که خود تصریح کرده است، سال‌ها به مدح آن پادشاهان مفتخر بوده و کتاب خود را به نام ابوالحسن حسام‌الدین علی بن فخرالدین مسعود، برادرزاده ملک شمس‌الدین محمد بن فخرالدین بن مسعود، پادشاه معروف غوری، نوشته است (همان: ۹۶۲). اسم اصلی کتاب *مجمع‌النوادر* است که مشتمل بر چهار مقاله در بیان شرایط چهار طبقه از ندیمان سلاطین یعنی دبیران، شاعران، منجمان، و طبیبان است.

*فارس‌نامه* نیز یکی از کتب بسیار معتبر فارسی و از مأخذ مهم و قابل توجه تاریخ ایران پیش از اسلام و جغرافیای سرزمین پارس است. مصنف کتاب اطلاعات زیادی درباره خویش نمی‌دهد و تنها معلوم می‌دارد که «او را تربیت پارس بودست، اگرچه

بلخی نژادست» (ابن بلخی ۱۳۶۳: ۳) و از ابتدای دولت سلطان محمد بن ملکشاه سلجوقی، که رکن الدوله خمارتگین را به پارس فرستاد، «تقدیر معاملات و قانون آن» را جدّ وی گذاشته و خود وی نیز شغل «استیفاء آن ولایت و سپاهی و رعیت» داشته است (همان: ۳). ابن بلخی پادشاهان ایران را پیش از غلبهٔ اعراب به چهار طبقه تقسیم کرده است: ۱. پیشدادیان، ۲. کیانیان، ۳. اشغانیان، ۴. ساسانیان (همان: ۸)، هم‌چنین به ذکر اسکندر و «رومیان کی بعد از اسکندر بودند» (همان: ۹)؛ یعنی جانشینان یونانی اسکندر مبادرت ورزیده است، منتهی حکومت آنان را پس از اسکندر در ایران سه چهار سال بیش ندانسته و مسلماً در نقل این روایت از منابعی تأثیر گرفته که اصل آن‌ها به عهد ساسانی یا به راویان اخبار ایرانی می‌رسد که پس از اسکندر همواره در ذکر سلطنت سلوکیان سکوت می‌کرده‌اند و دورهٔ تسلط آنان را کوتاه جلوه می‌داده‌اند (صفا ۲۵۳۶: ج ۲، ۹۲۷). ابن بلخی از این طبقات چهارگانه نخست فهرستی برای تشخیص سلسلهٔ انساب شاهان به‌دست داده، سپس به ذکر یکایک طبقات و از هر طبقه یک‌یک پادشاهان و تفصیل حکومت آنان پرداخته است (ابن بلخی ۱۳۶۳: ۱۱۳-۱۱۹). پس از اتمام این مبحث، که بخش زیادی از کتاب را شامل شده است، مؤلف شرح گشادن پارس به‌دست مسلمانان را مطرح کرده (همان) و آن‌گاه به ذکر پارس و اختصاصات آن و نواحی، بلاد، قبایل، و امرای پارس پس از تسلط عرب پرداخته (همان: ۱۱۹-۱۷۰) و نیز شرحی در قانون مالیاتی پارس و مقدار عواید آن آورده است (همان: ۱۷۰-۱۷۲). تاریخ تألیف کتاب کاملاً محقق نیست، ولی مسلماً پیش از سال ۵۱۱ق نوشته شده که سال وفات سلطان محمد است، زیرا مقدمهٔ آن به‌نام اوست، با تمام القاب، عناوین، نعوت، و دعا بر خلود دولت وی (بنگرید به همان: ۱-۴). او در عهد سلطنت همین پادشاه هم‌راه خمارتگین - با آن‌که خراسانی بود - مأمور خدمت در پارس شد (همان: ۳)؛ زیرا سلاجقه در ابتدای کار خود به دبیران و مستوفیان عراق، که اغلب شیعه یا دوست‌داران آل‌بویه بوده‌اند، اعتمادی نداشتند و کارگزاران خود را بیش‌تر از مشرق انتخاب می‌کردند. پس باید تألیف کتاب بین ۴۹۸ تا ۵۵۱ق و به‌گمان بیش‌تر در سال‌های آخر سلطنت سلطان محمد و بنابه دستور و امر او صورت گرفته باشد (صفا ۲۵۳۶: ج ۲، ۹۲۷-۹۲۸). نثر *فارس‌نامه* ساده و روان و بسیار استوار و خالی از خلل است. نشانه‌های زبان کهن و انشا در برخی از موارد کتاب معلوم است و لغات عربی هم در پاره‌ای از قسمت‌های آن کم نیست و خوش‌بختانه از کتبی است که دست‌برد نساخ در آن کم‌تر صورت گرفته است (همان: ۹۲۸).

در ادامه، با بررسی محتوایی این سه اثر، تمام داده‌هایی که مربوط به وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در آن‌ها آمده است با دقت خاص شناسایی، دسته‌بندی، و با ذکر شماره صفحه آورده شده است.

#### ۴. وجوه فرهنگی در کتاب راحة الصدور و آية السرور

##### ۱.۴ آداب و رسوم و شعائر

- آذین‌بندی شهر (راوندی ۱۳۶۴: ۱۱۱، ۲۷۰)؛
- فصدکردن (رگ‌زدن، خون‌گرفتن) (همان: ۲۳۶)؛
- وجود سردابه در خانه (همان: ۱۵۸)؛
- کاربرد حروف جُمَل (حساب حروف ابجد) در فال‌گیری (همان: ۴۵۵).

##### ۲.۴ جشن‌ها

- عید اضحی (قربان) (همان: ۲۹۸، ۳۸۶).

##### ۳.۴ مراسم و آیین‌های رایج

الف) ازدواج و آداب آن؛

- ازدواج سیاسی (همان: ۱۱۱، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۴۴، ۲۷۰، ۲۸۵، ۳۰۱، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۶۷)؛
- فرستادن وکیل از سوی سلطان (همان: ۱۱۱، ۲۷۰)؛
- تعیین مهریه عروس (همان: ۱۱۱).

ب) مرگ

- مرگ طغرل‌بک بر اثر بیماری پیش از زفاف با خواهر خلیفه بغداد در سال ۴۵۵ق (همان: ۱۱۲)؛
- کشته‌شدن خواجه نظام‌الملک به تحریک خواجه تاج‌الملک در نهاوند (همان: ۱۳۵)؛
- کشته‌شدن نظام‌الملک به دست فداییان اسماعیلی (همان: ۱۳۵)؛
- کشته‌شدن ترکان‌خاتون به دستور زبیده‌خاتون مادر برکیارق (همان: ۱۴۲)؛

بازتاب و مقایسهٔ وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در متون ... ۳۹

- کشتن سعدالملک وزیر سلطان محمد ملکشاه به جرم خیانت به سلطان (همان: ۱۶۰)؛
- کشتن نمایندهٔ سلطان سنجرین ملکشاه توسط غزان به دلیل ظلم و رشوت‌خواهی وی (همان: ۱۷۷)؛
- کشته‌شدن خلیفه مسترشد بالله توسط اسماعیلیان (همان: ۲۲۸)؛
- کشته‌شدن راشدین مسترشد بالله توسط اسماعیلیان (همان: ۲۲۹).

#### ۴.۴ مذهب و باورهای مذهبی

- ترویج مذهب اسماعیلی به وسیلهٔ داعیان آن در ایران عصر سلجوقی (همان: ۱۱۵، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹)؛
- اختلاف مذاهب در خراسان (همان: ۱۸۲)؛
- اعتقاد به قضا و قدر الهی (همان: ۱۲۱).

#### ۵.۴ ورزش و سرگرمی

- اسب‌سواری (همان: ۴۲۹)؛
- تیراندازی (همان: ۳۳۸، ۴۲۹)؛
- بازی شطرنج (همان: ۴۰۷).

#### ۶.۴ آموزش و نهادهای آموزشی

- تأسیس مدارس و مساجد توسط سلجوقیان (همان: ۱۳۷، ۲۰۹، ۳۰۰، ۳۷۹).

#### ۵. عرصه‌های زندگی اجتماعی در *راحة الصدور*

##### ۱.۵ گروه‌های اجتماعی

- اعیان (همان: ۱۰۳، ۳۷۷)؛
- خاص و عام (همان: ۱۸۴، ۳۴۴، ۴۰۷)؛
- قضات (همان: ۳۹۷)؛

- قاضی القضاات (همان: ۱۱۱)؛
- کشاورزان (همان: ۴۲۳)؛
- فلاسفه (همان: ۴۲۳)؛
- حکما (همان: ۴۲۳)؛
- علما (همان: ۴۲۳)؛
- دهاقین (دهگانان، ایرانیان) (همان: ۴۲۳)؛
- اطبا (همان: ۴۲۳)؛
- عطاران (همان: ۴۲۳)؛
- بقالان (همان: ۴۲۳).

## ۲.۵ اقوام

- اقوام شبانکاره فارس (همان: ۱۱۸).

## ۳.۵ شهر و شهرنشینی

- الف) مسائل جامعه شهری
  - احداث و بناهای ملک‌شاه سلجوقی: احداث آب‌گیرهای راه حجاز (همان: ۱۳۱)؛
  - احداث شکارگاه‌ها در مناطق مختلف (همان: ۱۳۱).
- ب) عناصر شهر
  - رباط (همان: ۹۲، ۳۷۱)؛
  - کهندز (همان: ۱۸۲).

## ۶. وجوه فرهنگی در کتاب چهارمقاله

### ۱.۶ مراسم و آیین‌های رایج

- الف) ازدواج و آداب آن
  - ازدواج مأمون عباسی با دختر فضل‌بن سهل (نظامی عروضی ۱۳۷۵: ۳۲)؛
  - ماندن داماد پیش از عروسی به مدت یک‌ماه در خانه عروس (همان: ۳۲)؛

- حکایت ازدواج دختر فضل با مأمون عباسی (همان: ۳۲-۳۶)؛
- بخشش و هدیهٔ پدر عروس به هم‌راهان داماد: بخشیدن چند پارچه دینه از سوی فضل به هم‌راهان مأمون عباسی به‌میمنت عروسی دخترش (همان: ۳۴)؛
- هدیهٔ داماد به عروس (همان: ۳۵).

(ب) مرگ

- مرگ فردوسی و دفن وی در ملک و باغ خودش (همان: ۸۳)؛
- کشته‌شدن خواجه نظام‌الملک به‌دست فداییان اسماعیلیه (همان: ۹۹).

## ۲.۶ مذهب و باورهای مذهبی

- اعتقاد به ممکن‌الوجود بودن انسان (همان: ۷)؛
- اعتقاد به قیامت و معاد (همان: ۷)؛
- اعتقاد به واجب‌الوجود بودن خدا (همان: ۷)؛
- اعتقاد به وجود عناصر اربعهٔ آفرینش (همان: ۷)؛
- ربع مکشوف خواندن خلقت جهان (همان: ۸)؛
- ربع مسکون خواندن دنیا (همان: ۸)؛
- اعتقاد به وجود نسناس [میمون آدم‌نما، جانوری افسانه‌ای شبیه به انسان] پیش از انسان (همان: ۱۵)؛
- حکایتی درمورد نسناس (همان: ۱۵-۱۶)؛
- صدقه و قربانی دادن (همان: ۱۱۷).

## ۳.۶ منجمی و پیش‌گویی و حکایات مربوط به آن

- اعتقاد به منجمی و پیش‌گویی (همان: ۴، مقدمه؛ همان: ۹۳)؛
- حکایت منجم یعقوب اسحق کندی یهودی (همان: ۹۰-۹۱)؛
- حکایت منجمی ابوریحان بیرونی (همان: ۹۰-۹۳)؛
- حکایت دختری که منجم بود (همان: ۹۴-۹۶)؛
- حکایت منجمی محمود داودی دیوانه (همان: ۹۶-۹۸)؛

- حکایت حکیم موصلی منجم و پیش‌بینی او در مرگ خواجه نظام‌الملک (همان: ۹۸-۱۰۰)؛
- حکایت پیش‌بینی عمرخیام در مورد محل قبرش در نساپور (همان: ۱۰۰-۱۰۲)؛
- حکایت منجمان دربار محمدبن ملکشاه سلجوقی و منجم اهل غزنه (همان: ۱۰۲-۱۰۴)؛
- حکایت طالع‌بینی نظامی عروضی سمرقندی در مورد آزادی شاهزاده شمس‌الدوله (همان: ۱۰۵).

#### ۴.۶ پوشاک

- رنگ پوشاک: لباس سیاه مخصوص عباسیان (همان: ۳۲).

#### ۵.۶ ورزش

- بازی نرد [از ابداعات بوذرجمهر در برابر بازی شطرنج] (همان: ۷۰).

### ۷. عرصه‌های زندگی اجتماعی در چهارمقاله

#### ۱.۷ گروه‌های اجتماعی

- دبیران (همان: ۴، مقدمه؛ همان: ۱۹، دیباچه؛ ۱۸)؛
- منجمان (همان: ۴، مقدمه؛ همان: ۱۹، دیباچه؛ ۱۸)؛
- شاعران (همان: ۴، مقدمه؛ همان: ۱۹، دیباچه؛ ۱۸)؛
- طبیبان (همان: ۴، مقدمه؛ همان: ۱۹، دیباچه؛ ۱۸)؛
- اهل قلم (همان: ۲۴)؛
- قضات (همان: ۲۸).

#### ۲.۷ شهر و شهرنشینی

- الف) عناصر شهر
- مسجد جامع (همان: ۱۵).



## ۸. وجوه فرهنگی در کتاب فارس‌نامه

### ۱۸ مراسم و آیین‌های رایج

#### الف) ازدواج

- ازدواج سیاسی (ابن بلخی ۱۳۶۳: ۸۲، ۹۴، ۱۰۲).

#### ب. مرگ

- کشته‌شدن ایرج به‌دست برادرانش سلم و تور (همان: ۳۷)؛
- کشته‌شدن سیاوش در ترکستان به‌دستور افراسیاب (همان: ۴۱)؛
- کشته‌شدن افراسیاب به‌دست رستم (همان: ۴۲)؛
- کشتن مانی و پیروانش توسط بهرام‌بن هرمزبن شاپور (همان: ۶۵، ۸۹)؛
- کشتن مزدک و مزدکیان به‌دست انوشروان (همان: ۹۰-۹۱)؛
- کشته‌شدن هرمزبن انوشروان به‌دست بندویه و بسطام با موافقت پرویزبن هرمز (همان: ۱۰۰)؛
- کشتن پرویزبن هرمز به‌دست پسرش شیرویه (همان: ۱۰۷)؛
- کشتن پرویزبن هرمز و هفده‌تن از برادر و برادرزادگان توسط شیرویه (همان: ۱۰۸)؛
- کشته‌شدن یزدجردبن شهریار به‌دست اسپهبد ماهویه در مرو (همان: ۱۱۲)؛
- کشته‌شدن کردان پارس در آغاز اسلام (همان: ۱۶۸).

#### ج) ختنه‌سوران

- رسم ختنه‌کردن (همان: ۵۳).

#### د) جشن‌ها

- جشن نوروز (همان: ۳۲-۳۳)؛
- بانی جشن نوروز جمشید (همان: ۳۲-۳۳)؛
- جشن مهرگان - روز شانزدهم مهر از هر سال شمسی (همان: ۳۶)؛
- بانی جشن مهرگان فریدون (همان: ۳۶).

#### ه) باورهای عامیانه

- اعتقاد به طالع و نحس بودن زمان (همان: ۳۲).

## ۲.۸ ادیان و مذاهب

- آتش پرستی ایرانیان (همان: ۵)؛
- دین مانوی (همان: ۲۰، ۶۲، ۸۹)؛
- قلع و قمع مانویان در زمان پادشاهی هرمزین شاپورین اردشیر (همان: ۲۰، ۶۳)؛
- آیین مزدکی (همان: ۲۳، ۸۴)؛
- بت پرستی (همان: ۲۹)؛
- صابئی (همان: ۳۴، ۴۹)؛
- ضحاک بنیان گذار صابئی (همان: ۳۴)؛
- دین زرتشتی (همان: ۴۹)؛
- ایمان آوردن وستاسف به دین زرتشتی (همان: ۴۹)؛
- دین مسیحیت (همان: ۷۰)؛
- ظهور مذهب شیعیان در عهد باکالیجار در ایران (همان: ۱۱۹).

## ۱.۲.۸ باورهای مذهبی

- آغاز روزه گرفتن از روزگار طهمورث (همان: ۲۹)؛
- شکرگزاری (همان: ۳۳، ۴۶).

## ۳.۸ ورزش

- اسب سواری (همان: ۷۵)؛
- تیراندازی (همان: ۷۵).

## ۹. عرصه های زندگی اجتماعی در فارس نامه

### ۱.۹ گروه های اجتماعی

- خاص و عام (همان: ۲، ۸۷)؛
- حَشَم و رعیت (همان: ۳)؛
- پیشه وران (همان: ۳۱)؛
- خدمت گزاران (همان: ۳۱).

## ۲.۹ اقوام

- گردان شبانکاره (همان: ۱۶۴)؛
- طایفه اسمعیلیان (همان: ۱۶۴)؛
- طایفه رمانیان (همان: ۱۶۶)؛
- طایفه کرزویان (همان: ۱۶۷)؛
- طایفه مسعودیان (همان: ۱۶۷)؛
- طایفه اشکانیان (همان: ۱۶۷)؛
- گردان پارس، پنج رم بوده‌اند؛ هریک رم صد هزار حومه: رم جیلویه (همان: ۱۶۸)؛ رم الذیوان (همان: ۱۶۸)؛ رم اللوالجان (همان: ۱۶۸)؛ رم الکاریان (همان: ۱۶۸)؛ رم البازنجان (همان: ۱۶۸).

## ۳.۹ پادشاهان و اختراعات آنان

- الف) کیومرث (گل‌شاه)؛
- رسم پادشاهی و فرمان‌دهی نهادن (همان: ۹).
- ب) هوشنگ پیشدادی
- آهن و ابزارآلات درودگری (همان: ۲۷)؛
- به‌کاربردن چوب درخت در خانه‌سازی (همان: ۲۷)؛
- اسلحه‌ساختن از چوب و آهن (همان: ۲۷)؛
- گوشتی‌کردن حیوانات و خوردن آنها (همان: ۲۷)؛
- کارهایی چون کشاورزی و آبادی زمین‌ها و تقسیم آب‌ها و کاشتن غله و میوه (همان: ۲۷)؛
- مانع فساد و دعوت‌کنندهٔ مردم به خداپرستی و سازندهٔ عبادتگاه (همان: ۲۸)؛
- طردکنندهٔ مفسدان و دزدان به بیابان‌ها و کوه‌ها و دورکنندهٔ آنها از میان مردم (همان: ۲۸)؛
- آورندهٔ آیین برتخت‌نشستن و تاج برسر نهادن (همان: ۲۸).

ج) طهمورث

- مخترع خط فارسی (همان: ۲۸)؛
- سازنده زینت پادشاهان (همان: ۲۸)؛
- به وجود آورنده سوارشدن بر اسبان و بارنهادن بر چهارپایان و شکارکردن (همان: ۲۸)؛
- سازنده لباس و فرش از پشم و مو (همان: ۲۸).

د) جمشید

- به وجود آورنده نگارگری، نقاشی، و صورت‌گری (همان: ۳۲)؛
- سازنده گرمابه (همان: ۳۲)؛
- بنای جشن نوروز (همان: ۳۲-۳۳).

ه) فریدون

- ساخت داروها از گیاهان کوهی در دوران پادشاهی (همان: ۳۶)؛
- بنیان‌گذار علم پزشکی (همان: ۳۶)؛
- جهاننده خر بر مادیان تا استر از آن زاده شود (همان: ۳۶)؛
- بانی جشن مهرگان (همان: ۳۶).

و) منوچهر بن میشخوریار

- پدیدآورنده دهقانی (همان: ۳۷).

ز) زوبن طهماسب

- سازنده انواع دیگ‌ها و خوردنی‌ها (همان: ۳۹).

ح) کی‌قباد

- تقسیم حدود و کورت‌ها در ولایات (همان: ۳۹-۴۰)؛
- عشر بر غلات نهادن در وجه لشکر (همان: ۴۰).

ط) لهراسب

- بنانهادن دیوان لشکر (دیوان عرض) (همان: ۴۸)؛
- اولین کسی بود که اساوره [دست‌برنجن‌ها، دست‌آورنجن‌ها، یاره‌ها] و دستینه‌های زر بر دست نهاد (همان: ۴۸)؛
- تخت زرین مرصع به جواهر ساخت (همان: ۴۸).

ی) وشتاسف

- نظم و ترتیب دادن به دیوان‌ها (همان: ۴۸)؛
- نایب معتمد (ایرانمارغر) برای وزیر قراردادن (همان: ۴۹)؛
- بناگذارندهٔ دیوان انشا و دیوان خراج و دیوان نفقات (همان: ۴۹)؛
- دستوردهنده به طولانی نوشتن نامه‌ها و شرح و بسط دادن به آن‌ها (همان: ۴۹)؛
- دبیرقدخواندن صاحب‌دیوان انشا در عهد وی (همان: ۴۹).

ک) داراء بزرگ‌بن بهمن

- پایه‌گذار دیوان برید (همان: ۵۵).

ل) اردشیربن بابک

- تقسیم آب‌های خوزستان (همان: ۶۱).

#### ۴.۹ آثار و بناهای پادشاهان

الف) هوشنگ

- عبادتگاه‌ها ساخت، شهر بابل، و شهر سوس را بناکرد (همان: ۲۸).

ب) کیومرث

- دباوند (دماوند) و اصطخر (همان: ۲۸).

ج) طهمورث

- کهندز مرو (همان: ۲۸)؛

- مهرین و سارویه در اصفهان (همان: ۲۹).

د) جمشید

- ساخت سرایی عظیم در اصطخر، ساخت سه قلعهٔ اصطخر، شکسته، و شکنوان در اصطخر به نام سه‌گنبدان (همان: ۳۲).

ه) منوچهر

- ساخت باغ و بوستان، ایجاد خندق شهرها، حفر نهر فرات، و آوردن آب به عراق (همان: ۳۷).

و) کی‌کاووس

- بنای تل عقرقوف در بابل (همان: ۴۱).

ز) لهراسب

- دیوارکشی و عمارت شهر بلخ (همان: ۴۸).

ح) وشتاسف

- بنای شهر بیضا در پارس (همان: ۴۸)؛

- بنای آتشکده بلخ، آتشکده آذربایجان، آتشکده اصطخر پارس و دستور داد همه جا آتشگاه‌ها ساختند (همان: ۵۰)

ط) بهمن

- شهر فسا، بشکان، و جهرم در پارس (همان: ۵۴).

ی) دارابن بهمن

- شهر داراب‌گر در پارس (همان: ۵۵).

ک) اردشیربن بابک

- کوره اردشیرخوره شامل فیروزآباد و چند پاره‌شهر و نواحی، ساخت چند جایگاه در عراق و بابل به نام خویش، به اردشیر دارالملک کرمان، اهواز و خوزستان، شهری به نام حزه در موصل، شهری در بحرین به نام خط (همان: ۶۰، ۶۱).

ل) شاپوربن اردشیر

- بی‌شاپور در پارس، بلادشاپور در سرحد خوزستان، شاپورخواست خوزستان، جندی‌شاپور خوزستان، شادشاپور در میسان (همان: ۶۳).

م) هرمزبن شاپور

- رامهرمز خوزستان و دسکره در راه بغداد (همان: ۶۴).

ن) شاپور ذوالاکتاف

- در بابل و عراق: عکبرا یا برزخ شاپور در بغداد، مداین، رومیه، انبار یا فیروزشاپور، طیسبون یا مدینه شاپور، ایوان کسری، کرخ؛  
- در خوزستان: شوش، شادروان شوشتر؛  
- در اصفهان: بوان، جروان، و در آن آتشگاهی بنا کرد؛  
- در سیستان: چند شهر؛ در خراسان: نیشابور؛  
- در بلاد سند و هند: فرشاپور و چند شهر دیگر (همان: ۳۱، ۶۹، ۷۲-۷۳).

س) پیروز (فیروز) بن یزدجرد

- فیروزرام در ری؛ روشن‌فیروز در جرجان؛ رام‌فیروز از بلاد هند؛ دیوار  
شهرستان اصفهان؛ شادفیروز در آذربایجان؛ دیواری پنجاه‌فرسنگ به خجند  
(همان: ۸۳).

ع) قبادبن فیروز

- آرزجان و نواحی آن؛ قبادخوره از نواحی پارس، ساحلیات تابع قبادخوره؛  
خلوان سرحد عراق؛ به‌قباد بالایی و میانه و زیرین از نواحی عراق؛ شهرآباد  
کواد میان جرجان و آن شهر؛ چند ناحیه از طبرستان؛ خابور از موصل  
(همان: ۸۴).

ف) کسری پرویزبن هرمز

- قصرشیرین و صفة شب‌دیز (همان: ۱۰۷).

## ۱۰. تحلیل و ارزیابی داده‌های متون منتخب

پس از عنوان‌گذاری و مقوله‌بندی داده‌ها، اینک درصد فراوانی هرکدام از عناصر فرهنگی زندگی اجتماعی در متون مزبور به‌صورت مجزا تعیین می‌شود. درصدها در هر کتاب به‌صورت جداگانه بررسی شده است. این درصدها هم از تعداد فراوانی و تکرار هرکدام نسبت به تعداد کل وجوه فرهنگی در آن کتاب به‌دست آمده است؛ برای مثال؛ جشن‌ها در کل کتاب *راحة‌الصدور* فقط دوبار تکرار شده است. لذا عدد دو در عدد صد ضرب شده و بر تعداد کل داده‌های وجوه فرهنگی در این کتاب تقسیم می‌شود و  $۸۷/۴$  درصد به‌دست می‌آید.

### ۱.۱۰ فراوانی وجوه فرهنگی در متن کتاب *راحة‌الصدور*

کتاب *راحة‌الصدور* در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی به مقولات ذیل با درصد فراوانی به‌دست‌آمده پرداخته است:

۱. آداب‌ورسوم و شعائر با فراوانی  $۱۲/۱۹$  درصد؛

۲. جشن‌ها با فراوانی  $۸۷/۴$  درصد؛ در قسمت جشن‌ها تنها جشنی که در کتاب از آن نام برده‌شده جشن قربان است که در دوجا از آن یاد شده است.

۳. مراسم و آیین‌های رایج با فراوانی ۸۲/۹۲ درصد با زیرمقولاتی چون ازدواج با فراوانی ۳۵/۲۹ درصد؛ مرگ با فراوانی ۲۳/۵۲ درصد؛ مذهب و باورهای مذهبی با فراوانی ۱۷/۶۴ درصد؛ ورزش و سرگرمی با فراوانی ۱۱/۴۶ درصد؛ آموزش و نهادهای آموزشی با فراوانی ۱/۴۶ درصد.

می‌توان نتیجه گرفت که در کتاب *راحة/الصدر* در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی بیش‌ترین توجه نویسنده به مراسم و آیین‌های رایج به نسبت دیگر مقولات همین عرصه بوده است. در این مقولات نیز ازدواج و آداب آن بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است. در مقوله مرگ، بیش‌تر با مرگ‌های غیرطبیعی روبه‌روایم و آن هم در بدنه حکومت‌هاست. این مرگ‌ها به انحای مختلف صورت گرفته است. بعضی توسط فداییان اسماعیلی، بعضی از سوی دربار با دسیسه‌های صاحب‌منصبان و زنان، بعضی به دلیل خیانت به سلطان، و از این قبیل صورت گرفته است. بیش‌ترین موردی که در این زمینه وجود دارد، کشتن خلفا و بعضی وزرا به دست فداییان اسماعیلی است که خود حاکی از نقش سیاسی و مخالفتی حکام عصر سلجوقی و خلفا با اسماعیلیان است.

آنچه در قسمت مذهب و باورهای مذهبی در کتاب به چشم می‌خورد، ظهور مذهب اسماعیلیه در ایران عصر سلجوقی است که این مذهب به وسیله داعیان اسماعیلی ترویج شده است. مورد دیگر که در کتاب *راحة/الصدر* از آن یاد شده، اختلاف مذاهب در خراسان است.

در این کتاب، با توجه به مقوله ورزش و سرگرمی، از دو ورزش اسب‌سواری و تیراندازی هم‌راه بازی شطرنج سخن به میان آمده و در مورد هر کدام باب خاصی اختصاص یافته است. یکی از تفریحات و سرگرمی‌های مردم و درباریان در قرن پنجم هجری شطرنج و نردباختن بوده است که در آثار ادبی آن روز جلوه بسیاری یافته است. بازی شطرنج در اصل از هند به ایران وارد شده بود. راوندی می‌گوید:

این شطرنج حکمای هند نهادند و به نوشروان عادل فرستادند و بزرجمهر آن را بگشاذ و بر آن یک باب بیفزود، نوشروان آن را به قیصر روم فرستاد، حکمای روم خاطر برگماشتند و ایشان نیز دو باب زیادت کردند (۱۳۶۴: ۴۰۷-۴۰۸).

کتاب *راحة/الصدر* در قسمت آموزش و نهادهای آموزشی در موارد زیادی به تأسیس مدارس و مساجد توسط سلجوقیان اشاره کرده است که این خود نشان‌دهنده توجه سلجوقیان به آموزش و نهادهای آموزشی است.



### ۲.۱۰ فراوانی داده‌های عرصهٔ زندگی اجتماعی در کتاب *راحة‌الصدور*

عرصه‌های زندگی اجتماعی در کتاب *راحة‌الصدور* دارای مقولاتی چون نهادهای اجتماعی و مدنی، اقوام، شهر و شهرنشینی است که سهم نهادهای اجتماعی در آن با فراوانی ۷۸/۹۴ درصد به نسبت دیگر مقولات بیش‌تر است. فراوانی مقولهٔ اقوام ۵/۲۶ درصد و فراوانی شهر و شهرنشینی ۱۵/۷۸ درصد است.

می‌توان نتیجه گرفت که در کتاب *راحة‌الصدور* از نظر عرصهٔ زندگی اجتماعی بیش‌ترین توجه به نهادهای اجتماعی و مدنی شده است. در میان نه گروه اجتماعی ذکر شده در این مقوله، گروه خاص و عام با فراوانی ۲۰ درصد در ردهٔ نخست، طبقهٔ قضات و اعیان هرکدام به‌طور یک‌سان با فراوانی ۱۳/۳۳ درصد در ردهٔ بعد و طبقات دیگر هرکدام به‌طور یک‌سان با فراوانی ۶/۶۶ درصد در رده‌های بعدی جای می‌گیرند.

در قسمت اقوام آنچه در کتاب آمده فقط در یک‌جا از اقوام شبانکارهٔ فارس سخن به‌میان آمده است. در مقولهٔ شهر و شهرنشینی به مسائل جامعهٔ شهری پرداخته شده که در زیرمجموعهٔ آن از احداث بناهای ملک‌شاه سلجوقی یاد شده و به یک مورد از عناصر شهر در کتاب اشاره شده و آن هم کهن‌دژ است.

### ۳.۱۰ فراوانی وجوه فرهنگی در متن *چهارمقاله*

در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی، کتاب مزبور به مقولات مراسم و آیین‌های رایج شامل ازدواج، مرگ، مذهب و باورهای مذهبی، پوشاک، و ورزش اشاره شده است که به نسبت دیگر مقولات، فراوانی مذهب و باورهای مذهبی ۵۰ درصد، فراوانی ازدواج حدود ۲۷/۵ درصد، فراوانی مرگ حدود ۱/۵ درصد، و مابقی هرکدام به‌طور یک‌سان حدود ۵ درصد است.

### ۴.۱۰ فراوانی عرصهٔ زندگی اجتماعی *چهارمقاله*

عرصهٔ زندگی اجتماعی در کتاب *چهارمقاله* شامل گروه‌های اجتماعی، شهر و شهرنشینی، و فرهنگ عامه است که درصد فراوانی نشان‌دهندهٔ توجه بیش‌تر به گروه‌های اجتماعی است؛ زیرا فراوانی این مقوله ۵۶ درصد و پس‌از آن فراوانی فرهنگ عامه ۴۰ درصد و فراوانی مقولهٔ دیگر ۴ درصد است و این خود نشان‌دهندهٔ بیش‌ترین توجه به گروه‌های اجتماعی در کتاب

است؛ زیرا خود کتاب راجع به چهار طبقه اجتماعی دبیران، منجمان، طبیبان، و شاعران به بحث پرداخته است.

### ۵.۱۰ فراوانی وجوه فرهنگی در متن کتاب فارس نامه

در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی کتاب *فارس نامه* مقولاتی چون مراسم و آیین‌های رایج، جشن‌ها، و باورهای عامیانه (اعتقاد به طالع و نحس بودن زمان) وجود دارد. در قسمت جشن‌های باستانی از دو جشن نوروز و جشن مهرگان یاد شده که از نظر فراوانی سهم هر کدام از این دو جشن به طور یکسان ۵۰ درصد است. در قسمت ازدواج، سه مورد در کتاب بیان شده که هر سه بیان‌کننده نوعی ازدواج سیاسی در حکومت‌اند. در قسمت مرگ، آنچه این کتاب ارائه کرده، مرگ شخصیت‌هایی است که یا در جنگ کشته شده‌اند یا سرکرده دینی گروه‌های مذهبی خاصی بوده‌اند که آن هم توسط حاکمان به قتل رسیده‌اند. در مورد اخیر می‌توان به کشتن مزدک و مانی اشاره کرد. هم‌چنین در این قسمت، از حاکمانی که توسط فرزندان و نزدیکان خود کشته شده‌اند مواردی ذکر شده است. بنابراین اگر بخواهیم درصد فراوانی به دست آوریم، می‌توان ۱۸/۱۸ درصد فراوانی را به کشتن مانی و پیروانش اختصاص داد و برای آن مورد دیگر به طور یکسان هر کدام ۹ درصد فراوانی در نظر گرفت. در این مقوله آنچه کتاب مبین آن است وجود مذاهب و فرقه‌ای است که در عهد ملوک مختلف ظهور کرده و سرکوب شده‌اند.

در قسمت ادیان و مذاهب در کتاب *فارس نامه* از هشت دین و مذهب سخن به میان آمده که می‌توان سهم دین مانوی را با ۳۱/۲۵ درصد فراوانی از بقیه بیش‌تر دانست. آیین صابئی با ۱۸/۷۵ درصد فراوانی، آیین مزدکی و زردشتی هر کدام به طور یکسان با ۱۲/۵ درصد فراوانی، و بقیه ادیان به طور یکسان با ۶/۲۵ درصد در رده‌های بعدی قرار دارند. در قسمت باورهای دینی، نکته قابل توجه در این کتاب نسبت دادن آغاز روزه گرفتن به روزگار طهمورث است. در قسمت شکرگزاری به دو مورد و در قسمت ورزش‌ها نیز از دو نوع ورزش اسب‌سواری و تیراندازی یاد شده که سهم فراوانی هر کدام به طور یکسان ۵۰ درصد است.

### ۶.۱۰ فراوانی عرصه زندگی اجتماعی کتاب فارس نامه

عرصه زندگی اجتماعی در کتاب *فارس نامه* شامل گروه‌های اجتماعی، اقوام، اختراعات، و شهر و شهرنشینی است. در قسمت گروه‌های اجتماعی از چهار طبقه در کتاب نام برده شده که سهم طبقات خاص و عام با ۴۰ درصد فراوانی به نسبت دیگر طبقات که هر کدام به طور

یک‌سان فراوانی ۲۰ درصد دارند، بیش‌تر مورد توجه بوده است. در قسمت اقوام از دو قوم گُردان شبانکاره و طوایف آنان با فراوانی ۵۴/۵۴ درصد و گُردان پارس با فراوانی ۴۵/۴۵ درصد سخن به میان آمده است.

در قسمت اختراعات آنچه در *فارس‌نامه* ذکر شده، اختراعاتی است که پادشاهان ایران باستان موفق به انجام آن شده‌اند. از مجموع هفت پادشاه مخترع، هوشنگ پیشدادی با فراوانی ۲۳/۵۲ درصد اختراع در ردهٔ اول، وشتاسف با فراوانی ۱۴/۷۰ درصد در ردهٔ دوم، طهمورث و فریدون هرکدام به‌طور یک‌سان با فراوانی ۱۲/۵ درصد در ردهٔ سوم، جمشید و لهراسب هرکدام به‌طور یک‌سان با فراوانی ۹/۳۷ درصد در ردهٔ چهارم، کی قباد با فراوانی ۶/۲۵ درصد در ردهٔ پنجم، کیومرث، منوچهر، زو، دارا، و اردشیر هرکدام به‌طور یک‌سان با ۳/۱۲ درصد در آخرین ردهٔ مخترعان قرار دارند.

در قسمت شهر و شهرنشینی، از احداث و بناها همراه بانیان آن‌ها در *فارس‌نامه* بحث شده است. در قسمت تحلیل، درصد فراوانی را از بیش‌ترین به کم‌ترین بنا اختصاص می‌دهیم؛ بدین صورت که پس از ذکر نام احداث‌کننده و بانی بنا، با توجه به تعداد بناها و تکرار آن‌ها در کتاب، درصد هرکدام به‌ترتیب بیش‌ترین تا کم‌ترین به‌دست خواهد آمد. از مجموع بیست پادشاه بانی بناها در این کتاب، شاپور بن هرمز (شاپور ذوالاکتاف) با فراوانی ۲۲/۸۰ درصد در ردهٔ اول بانیان بناها، قباد بن پیروز با فراوانی ۱۴/۰۳ درصد در ردهٔ دوم، پیروز بن یزدجرد با فراوانی ۱۰/۵۲ درصد در ردهٔ سوم، اردشیر بابک با فراوانی ۷/۰۱ درصد در ردهٔ چهارم، منوچهر بن میسخوریار و شاپور بن اردشیر هرکدام به‌طور یک‌سان با فراوانی ۵/۲۶ درصد در ردهٔ پنجم، کیومرث، طهمورث، لهراسب، وشتاسف هرکدام به‌طور یک‌سان با فراوانی ۳/۵۰ درصد در ردهٔ ششم، و مابقی پادشاهان ذکر شده در این مقوله هرکدام به‌طور یک‌سان با فراوانی ۱/۷۵ درصد در پایین‌ترین رده قرار دارند. در این قسمت، آنچه دربارهٔ کارکرد بناها ذکر شده فقط مربوط به آتشکده‌هاست که صاحب *فارس‌نامه* آن‌ها را محلی برای عبادت زرتشتیان دانسته است (ابن بلخی ۱۳۶۳: ۵۰).

جدول ۱. مقایسهٔ جشن‌ها (خاص و مذهبی) در متون منتخب

فارس‌نامه	چهارمقاله	راحت‌الصدور	جشن‌ها
*	-	-	نوروز
*	-	-	مهرگان
-	-	-	سده
-	-	*	قربان
-	-	-	فطر

در مقایسه جشن‌ها در متون منتخب، بیش‌ترین جشن‌ها در *فارس‌نامه* ذکر شده و کتاب *راحة‌الصدور* از این نظر در جایگاه بعدی جای می‌گیرد؛ در حالی که در *چهارمقاله* از هیچ جشنی نام برده نشده است.

جدول ۲. مقایسه مراسم و آیین‌های رایج در متون منتخب

فارس‌نامه	چهارمقاله	راحة‌الصدور	مراسم و آیین‌های رایج
*	*	*	ازدواج
*	*	*	مرگ
*	*	*	مذهب و باورهای مذهبی
*	-	-	شکرگزاری
-	*	-	پوشاک
-	-	-	خوراک
*	*	*	ورزش
-	-	-	اوقاف

در این جدول، مراسم و آیین‌های رایج زندگی در متون منتخب مورد مقایسه قرار گرفته که جدول نشان از کارکرد بیش‌تر این حیطة در *چهارمقاله* و *فارس‌نامه* به‌طور مساوی دارد و در *راحة‌الصدور* به‌نسبت دیگر متون منتخب کم‌تر است.

جدول ۳. مقایسه گروه‌های اجتماعی در متون منتخب

فارس‌نامه	چهارمقاله	راحة‌الصدور	گروه‌های اجتماعی
*	-	*	خاص و عام
-	-	-	وضع و شریف
-	-	-	خداوندان شمشیر
-	*	-	خداوندان قلم
-	-	-	اولیا
*	-	-	حشم
-	-	-	خطبا
-	-	*	اعیان
-	-	*	علما
-	-	-	فقها

فارس نامه	چهارمقاله	راحتةالصدور	گروه‌های اجتماعی
-	*	*	قضات
-	-	-	علویان
-	-	-	سادات
-	-	-	مطربان
-	-	-	ندیمان
-	-	*	کشاورزان
-	-	*	فلاسفه
-	-	*	حکما
-	-	*	دهاقین
-	*	*	اطبا
-	-	*	عطاران
-	-	*	بقالان
-	*	-	دبیران
-	*	-	شاعران
*	-	-	پیشه‌وران
*	-	-	خدمت‌گزاران
-	*	-	منجمان

در این جدول، گروه‌های اجتماعی در سه متن منتخب باهم مورد مقایسه قرار گرفته که کتاب *چهارمقاله* و *راحتةالصدور* از حیث مقولهٔ مورد نظر به ترتیب در ردهٔ اول و دوم جای گرفته‌اند و در *فارس نامه* فقط از چهار گروه اجتماعی نام برده شده است.

جدول ۵. مقایسهٔ عناصر شهر در متون منتخب

فارس نامه	چهارمقاله	راحتةالصدور	عناصر شهر
-	-	*	رباط
-	-	-	شارستان
-	-	*	قهندز
-	*	-	مسجد جامع

در جدول ۵، *راحتةالصدور* از این نظر به نسبت دیگر متون مورد نظر با ذکر دو مورد حائز اهمیت است و *چهارمقاله* با ذکر یک مورد از عناصر شهری در جایگاه بعدی قرار گرفته است، اما در *فارس نامه* راجع به عناصر شهری چیزی به چشم نمی‌خورد.

## ۱۱. نتیجه گیری

متون تاریخی دوره‌های مختلف، افزون بر آگاهی‌هایی که درباره موضوع اصلی هدف متن ارائه می‌دهند، آگاهی‌های سودمندی نیز درباره دیگر وجوه زندگی مردم سرزمین خود از جمله وجوه سیاسی، اقتصادی (شهری، کشاورزی، دام‌داری و شبانکارگی، ملی و بین‌المللی)، وجوه اجتماعی، و فرهنگی بازتاب می‌دهند. از بررسی سه متن معتبر تاریخی قرن ششم هجری، *راحة الصدور*، *چهارمقاله*، و *فارس‌نامه* نشان داده شد که در هر سه کتاب می‌توان داده‌های بسیاری در وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان به دست آورد. از مقایسه و تحلیل این داده‌ها در مقوله‌های فرهنگی که درصد فراوانی آن‌ها نیز تعیین شد، می‌توان نتیجه گرفت که وجوه فرهنگی زندگی اجتماعی ایرانیان در محتوای کتاب *راحة الصدور* بیش‌تر از کتاب‌های *چهارمقاله* و *فارس‌نامه* بازتاب داشته و به آن پرداخته شده است.

## کتاب‌نامه

- آگبرن، ویلیام فیلدینگ و مایر فرانسیس نیم‌کوف (۱۳۸۰)، *زمینه جامعه‌شناسی*، اقتباس ا. ح. آریان‌پور، تهران: گستره.
- ابن بلخی (۱۳۸۵)، *فارس‌نامه*، به‌اهتمام و تصحیح گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون، تهران: دنیای کتاب.
- افتخاری، حسین (۱۳۸۷)، *بررسی جلوه‌های زندگی ایرانیان در سه اثر برجسته سده پنجم هجری (قابوس‌نامه، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ایران‌شناسی، گرایش عمومی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بهنام، جمشید و رامین جهانگللو (۱۳۸۲)، *تمدن و تجدد*، تهران: نشر مرکز.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸)، *فرهنگ‌شناسی*، تهران: پیام امروز.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱)، *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، *فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو*، تهران: علمی و فرهنگی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه ابوالفضل قاضی، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴)، *لغت‌نامه*، به‌کوشش محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۶۴)، *راحة الصدور و آية السرور*، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیرکبیر.

- صفا، ذبیح‌الله (۲۵۳۶)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- لنسکی، گرهارد و جین لنسکی (۱۳۶۹)، *سیر جوامع بشری*، ترجمهٔ ناصر موفقیان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- مکنیل، پاتریک (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: آگه.
- منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۱)، *روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی*، شیراز: نوید شیراز.
- نبوی، بهروز (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: کتابخانهٔ فروردین.
- نظامی عروضی سمرقندی، احمدبن عمر (۱۳۷۵)، *چهارمقاله*، تهران: جام.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، *تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی*، ج ۱، تهران: کتابفروشی فروغی.
- نفیسی (ناظم‌الاطباء)، علی‌اکبر (۱۳۵۵)، *فرهنگ نفیسی*، تهران: کتابفروشی خیام.
- ودیعی، جمال (۱۳۵۷)، *جامعه‌شناسی*، تهران: گوتنبرگ.

Tylor, E. B. (1924), *Primitive Culture*, 7<sup>th</sup> ed., New York.

